

معرفی نسخه خطی شکرستان میرمحمد مؤمن عرشی و ویژگیهای سبکی آن

زهرا محمودآبادی^{۱*}، آسیه ذبیح نیا عمران^۲

۱- گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۱، صص ۱۴۴-۱۲۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7478>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: مؤمن عرشی از شاعران و نویسندگان عارف قرن یازدهم هجری است. علاقه او به سعدی و جامی موجب گردید تا کتاب شکرستان را نزدیک به سبک و سیاق گلستان و بهارستان تألیف کند. این کتاب در قالب نثر همراه با اشعار فارسی و عربی و آراسته به صناعات لفظی و معنوی و در قالب جملاتی کوتاه و آموزنده به رشته تحریر درآمده است. شکرستان در شش باب و دارای حکایتهای گوناگون به اصول عرفانی، مذهبی و اخلاقی است. آنچه به اهمیت این نسخه افزوده، معرفی عارفان و بزرگان ادب فارسی و آوردن حکایات پندآموز از ایشان است.

روش مطالعه: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی میکوشد تا ضمن معرفی اجمالی مؤمن عرشی و آثارش، به طور مشروح به معرفی نسخه خطی شکرستان بپردازد؛ سپس ویژگیهای سبکی و محتوایی این اثر را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی نماید.

یافته‌ها: نتایج حاصل بیانگر این است که عربی‌مآبی و تألیف جملات فارسی بر سیاق نحو زبان عربی، استشهاد به آیات قرآن و احادیث، وفور لغات و توجه به استعمال واژه‌ها و ترکیبات پارسی سره، نوآوری در کاربرد لغات و ترکیب‌سازیهایی فراوان، توجه بسیار به آرایشهای لفظی و معنوی از عناصر سبکی این اثر به شمار میرود.

نتیجه گیری: از جنبه‌های ساختاری و محتوایی، کتاب شکرستان را میتوان از جمله آثار موفق عرفانی تلقی کرد که نویسنده توانسته است با درک روح زبان سعدی و جامی و رمز و راز آنها، نثری زیبا و در عین حال استوار بیافریند.

تاریخ دریافت: ۲۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۲ آذر ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۰۷ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۳ بهمن ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

محمد مؤمن عرشی، شکرستان، ویژگیهای سبکی، نسخه خطی، شبه قاره هند.

* نویسنده مسئول:

mahmoudabadizahra@pnu.ac.ir

(۲۱ ۹۸۰+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introducing the Manuscript of Mir Mohammad Momin Arshi's Shekarestan and its Stylistic Features

Z. Mahmoudabadi*¹, A. Zabihnia Emran²

1- Department of English Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 11 November 2023
Reviewed: 13 December 2023
Revised: 28 December 2023
Accepted: 12 February 2024

KEYWORDS

Mohammad Momin Arshi,
Shekarestan, Stylistic Features,
manuscript, Indian subcontinent.

*Corresponding Author

✉ mahmoudabadizahra@pnu.ac.ir
☎ (+98 21)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Momen Arashi is one of the mystical poets and writers of the 11th century. His interest in Saadi and Jami led him to write the book of Shekarestan, close to the style of Golestan and Baharestan. This book has been written in the form of prose along with Persian and Arabic poems, decorated with verbal and spiritual arts and in the form of short and informative sentences. Shekarestan includes six chapters and has various stories based on mystical, religious and moral principles. What adds to the importance of this edition is the introduction of mystics and great men of Persian literature and bringing instructive anecdotes from them.

METHODOLOGY: This article, using descriptive-analytical method, tries to introduce Momen Arashi and his works in detail, while introducing the Shekarestan manuscript in detail. Then, the stylistic and content characteristics of this work are examined at three linguistic, literary and intellectual levels.

FINDINGS: The results indicate that the Arabic language and the composition of Persian sentences in the context of the Arabic language syntax, reference to Quranic verses and hadiths, abundance of words and attention to the use of Persian words and combinations, innovation in the use of words and many combinations, a lot of attention Verbal and spiritual arrangements are considered as elements of its style.

CONCLUSION: From the structural and content aspects, Shekarestan can be considered as one of the successful mystical works in which the author has been able to create a beautiful and, at the same time, strong prose by understanding the spirit of the languages of Saadi and Jami and their mysteries.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7478>

| NUMBER OF REFERENCES | NUMBER OF TABLES | NUMBER OF FIGURES |
|---|--|--|
|  13 |  0 |  0 |

مقدمه

حکومت گورکانیان هند جایگاه بسیار والایی را در حفظ و نشر زبان فارسی و غنای فرهنگی آن داشته است و «دوره گورکانیان از نظر گسترش و رواج فرهنگ و ادب فارسی در شبه قاره، شکوفاترین عصر در تاریخ آن سرزمین به شمار می‌رود» (صفا، جلد ۵، ص ۴۲۲). در شبه‌قاره هند، نسخ خطی گوناگونی در زمینه عرفان، تاریخ‌نویسی، فرهنگ‌نویسی و نظیره‌نویسی به رشته تحریر درآمد. از جمله کتابهایی که مورد استقبال قرار گرفت و نظیره‌نویسی از آن صورت گرفت، گلستان سعدی است. گلستان همواره سرمشق ادیبان و منشیان هر روزگار بوده است و همه افراد تمایل داشتند نثری به شیوه گلستان سعدی به یادگار بگذارند که طی قرون گذشته از بالکان تا بنگاله، در هر آب و خاکی مشام جان بویندگان را معطر ساخته است. «این حسن شهرت موجب شد که عده‌ای در ایران، عثمانی و هند به تقلید از گلستان برخاستند و کتابهایی به شیوه آن پرداختند، دبیران و مترسلان در نامه‌های خود از آن پیروی کردند و جمله‌ها و مزدوجات و حتی الفاظ آن در حافظه‌ها جا گرفت» (بهار، جلد ۳، ص ۱۵۶). آنان در این راه مقلد محض نبوده‌اند بلکه در موضوعات و ترتیب و تعداد ابواب به اقتضای وقت تغییراتی میدادند و تجربیات خود و حکایات سرزمین خود را در این میان می‌گنجانیدند. کتابهایی که به تقلید از گلستان تألیف شده، گاهی برای هنرنمایی ادبی و انشایی بوده است و گاهی برای تعلیم و تهذیب اخلاق. عارف نوشاهی در کتاب سیه بر سفید خود چنین می‌گوید: «نظیره‌سازی گلستان در شبه قاره از روزگار جهانگیرخان (۳۷-۱۰۱۴) آغاز شد» (نوشاهی، ص ۳۰۸). یکی از کسانی که به تقلید از گلستان و بهارستان جامی پرداخته، محمد مؤمن متخلص به عرشی است که اثر خود را به نثر مسجع آمیخته به نظم و حکایت‌های پندآموز نوشته است و خود اذعان دارد که کتابی شبیه به گلستان و بهارستان به رشته تحریر درآورده است.

هدف این پژوهش این است که با تکیه بر منابع مرتبط و نیز کتاب شکرستان به برخی از مشخصه‌های فکری عرشی دست یابد و ضمن معرفی نسخه به این پرسشها پاسخ دهد که: مؤلف کتاب شکرستان کیست؟ محتوا و درون مایه شکرستان چیست؟ ویژگیهای سبکی این کتاب با توجه به زمان تألیف کدام است؟

پیشینه پژوهش

تاکنون درباره نسخه خطی کتاب شکرستان مؤمن عرشی مقاله‌ای نگارش نشده، اما در مورد کتاب شعر شاهد عرشی آثاری نوشته شده است از جمله:

احمدرضا یلمه‌ها در سال ۱۳۹۱ مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به برخی از ویژگیهای سبکی شاهد عرشی» در ماهنامه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (ص ۳۳۲-۳۳۳) منتشر کرد و بیان میکند که شاهد عرشی به سبک هندی میسروده و آثار او از لحاظ ترکیب‌سازیهایی فراوان و توجه به لغات و مضامین عامیانه قابل توجه است. همچنین، احمدرضا یلمه‌ها (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «دو شاعر با یک تخلص عرشی یزدی و عرشی اکبرآبادی» در نشریه فنون ادبی (ص ۷۱-۸۰) چنین مینویسد که «میرمحمد مؤمن عرشی اکبرآبادی از جمله شاعران ناشناخته و گمنام ایرانی تبار است که به هند سفر کرده و آثار متعدد نظم و نثر فارسی دارد» (ص ۷۹).

محمدتقی دانش پژوه در کتاب «چند نکته درباره آثار سعدی و حافظ»، در سال ۱۳۵۰ مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی و حافظ به نگارش درآورده و در مبحث نظیره‌های گلستان سعدی به شکرستان تألیف محمد مؤمن عرشی اشاره میکند (دانش پژوه، ص ۲۰۳).

در سال ۱۳۹۹ مقاله‌ای با عنوان «بررسی انواع عشق در شکرستان مؤمن عرشی براساس مکتب رابرت استرنبرگ» توسط قاسمیان و همکاران در فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی منتشر شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عشق مدّ نظر مؤمن عرشی، عشق عرفانی، آرمانی و کمال‌آفرین است.

ضرورت پژوهش

کتابخانه‌های متعددی در سراسر هند وجود دارند که از تألیفات و نسخه‌های خطّی فارسی به‌جای‌مانده نگهداری میکنند. در سالیان اخیر کوشش‌های فراوانی در تهیه فهرست‌نامه‌های نسخ خطّی در هند صورت گرفته است. «تاکنون ۱۳۵ عنوان فهرست‌نامه نسخ خطّی فارسی در هند تنظیم و تدوین گردیده است. همچنین مشخص شده است که ۳۹ کتابخانه و مرکز اسناد این کشور در امر نگهداری این فهرست‌نامه‌ها فعالیت دارند. هر چند به دلیل شرایط خاص اقلیمی و هوای گرم و مرطوب شبه‌قاره و شرایط گاه نامناسب حفاظت و نگهداری، این احتمال وجود دارد که درصد زیادی از این آثار از بین رفته یا مهجور مانده و یا هنوز به ثبت نرسیده باشند» (کیخا، ص ۱۹۴). معرفی و تصحیح نسخ خطی ضرورت دارد زیرا به احیای دست‌نوشته‌های فارسی مدد می‌رساند. همچنین چاپ و شناساندن آثار گذشتگان خود فراهم آورنده دست‌مایه تحقیقی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان در حیطه علوم انسانی است.

اهمیت پژوهش

نسخه خطی کتاب شکرستان محمد مؤمن عرشی اکبرآبادی از یک سو به دلیل مقام شامخ عرفانی و وجاهت علمی مؤلف اهمیتی ویژه دارد و از دیگر سو، به دلیل تنوع مطالب، اعم از مسائل عرفانی حکمی و مهمتر از آن استفاده از آیات و احادیث پرکاربرد و حکایتهای پندآموز شایان عنایت و تعمق است. همچنین تقلید از شیوه گلستان سعدی و بهارستان جامی بر اهمیت کتاب افزوده است.

بحث و بررسی

احوال محمد مؤمن عرشی اکبرآبادی

محمد مؤمن عرشی از شاعران، صوفیان و خوشنویسان سده یازدهم هجری و از خانواده‌ای ایرانی در کرمان بوده که پدرش، میر عبدالله وصفی، در زمان جلال‌الدین اکبر گورکانی (۱۰۱۴-۹۶۳ قمری) به هند کوچ کرده و پس از پیوستن به دربار این پادشاه، به جهت تبخّر و استادی در خوشنویسی، لقب مشکین‌قلم از او دریافت میکند. وی مخاطب به «نادر العصر» بود. (صفا، جلد ۵، ص ۱۷۷۹). آثار وی به این قرار است:

۱. کلیات دیوان: از عرشی کلیات دیوانی مشتمل بر قصاید، غزلیات، ترجیعات، قطععات، رباعیات، ساقی‌نامه و مفردات باقی مانده که تاکنون تصحیح و چاپ نگردیده است. از این اثر نسخه‌ای در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال ایشیاتک به شماره ۹۴ موجود است.

۲. مثنوی مهر و وفا: مهر و وفا منظومه‌ای است عرفانی در بحر هزج مسدس محذوف (مقصور) که حدود ۲۲۰۰ بیت دارد.

۳. شکرستان: شکرستان از آثار منثور آمیخته به نظم عرشی است. این اثر به تقلید از گلستان سعدی و بهارستان جامی تألیف شده است.

۴. شاهدعرشی: این منظومه، یک مثنوی عرفانی است و از جمله آثاری میباشد که در سال ۱۰۶۹ هجری قمری به پیروی از مثنوی مولوی و در حدود ۳۰۰۰ بیت سروده شده است (یلمه‌ها (۲)، ص ۸۰-۷۱).

معرفی نسخه خطی

در فهرست نسخ خطی فارسی پاکستان، نسخه زیر از شکرستان معرفی شده است: کتاب شکرستان را میرمحمد مؤمن عرشی اکبرآبادی (م ۱۰۹۱) فرزند میر عبدالله مشکین رقم تبریزی، در شش فصل، حکایات امامان، مرشدان، سیرت پادشاهان و وزیران، آداب صحبت، عارفان حق و عاشقان شاهد مطلق، لطایف و ظرایف به رشته تحریر در آورده است. این نسخه خطی در موزه ملی پاکستان به شماره (۲۷۳-۱۹۶۹) با تاریخ کتابت ۱۱۵۶ نگهداری میشود (نوشاهی، ص ۳۰۹) که از آثار دوران جوانی عرشی است. نسخه مورد استفاده نویسندگان مقاله، متن نسخه شکرستان در ایندیا آفیس (کتابخانه دیوان هند به شماره فهرست ۸۲۳) است که به عنوان نسخه اساس ۱۳ سطر با خط نستعلیق میباشد و در این نسخه عنوان باب پنجم اختلافی با فهرست دارد و چنین است: به جای باب آداب صحبت با عزیزان از ایام شباب تا شیب، عنوانی در بیان آداب حکایات فقره نوشته شده است که بنا به نظر ذبیح الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات شاید نتیجه تصرف بعدی مؤلف کتاب باشد (صفا، جلد ۵، ص ۱۷۷۹). هریک از بابهای کتاب با حکایتهای کوتاهی مرتبط با زندگی همراه است که نویسنده به شیوه گلستان و بهارستان نظم و نثرها را در هم آمیخته و سبک آنها را در انشای آن به کار برده است. استفاده از طنز در بضعی از حکایات دیده میشود. سخنش در غالب متن سهل و روان و به ندرت پیچیده و مشکل است.

در این کتاب از آیات، احادیث و جملات ادبی فراوان فارسی و عربی استفاده شده است. مؤلف از دیگر عرفا و صوفیان مطالب و حکایاتی نقل میکند. ابتدا برای شروع هر حکایت چند بیت شعر از قالبهای مثنوی، قطعه و رباعی استفاده کرده است و سپس حکایت خود را آغاز نموده است. گاهی به جای قالب شعری فقط کلمه نظم به کار برده است.

شکرستان دارای ۱۶۰ صفحه و ۸۰ برگ است. صفحه اول ۱۰ سطر و صفحه آخر ۵ سطر دارد، ولی بقیه متن مشتمل بر ۱۳ خط در هر صفحه است. رنگ قلم عناوین شنگرف و رنگ کاغذ به صورت کاهی است. از جمله تزئینات این مجموعه منقش بودن روی جلد است. پشت کاغذ جلد دارای مهر میباشد. نویسندگان صفحات فرد برگه را با حرف «الف» و صفحات زوج آن را با حرف «ب» شماره گذاری کرده اند.

علت نامگذاری کتاب شکرستان

عرشی درباره نامگذاری کتابش به شکرستان چنین میگوید:

«قلم مشکین رقم برداشتم و علم معنی را بر اوج فصاحت افراشتم. خواستم اسمی به واسطه کتاب پیدا کنم این معنی در آینه خاطر پرتو افکند که تولدم در هندوستان شده و نیشکرزار این ملک مشهور هزار رنگ شیرینی از شیرۀ نیشکر از قسیم قند و نبات در عرصه عالم به ظهور میاید و به ایران و توران تحفه و هدایا میبرند «والمؤمن حلویاً» واقع شده که مؤمن شیرینی را دوست میدارد و شکرستان نام کتاب نهادم و کام و زبان نکته سنجان را به لفظ و معنی شیرین، حلاوت بخشیدم» (نسخه خطی، ب/۵).

ساختار کتاب شکرستان

عرشی در مورد انتخاب شش باب کتاب چنین بیان میدارد: «منتسب به شش باب شد. دور عالم را دایره شش جهت دایره است اختیار به عدد شش افتاد».

دبیاچه: در ستایش خداوند و نعت حضرت رسول و ائمه اطهار

باب اول: در بیان احوال امامان و اجداد و مرشدان پاک‌نهاد

باب دوم: در سیرت پادشاهان و سریرت وزیران.

باب سوم: در بیان تربیة پادشاه‌زاده‌های والا نژاد.

باب چهارم: در آداب صحبت با عزیزان از ایام شباب تا شبیب.

باب پنجم: در وصف عارفان حق و عاشقان شاهد مطلق.

باب ششم: در بیان لطایف و ظرایف و خاتمه بیان شیرین نامگذاری کتاب.

دلایل تألیف کتاب شکرستان

عرشی در مقدمه کتاب شکرستان دلایل تألیف این کتاب را چنین بیان میکند:

«به خاطر فاخر رسید که پیروی بزرگان نموده، درهای معینی بر روی طبع معنی سنج گشوده، کتابی از نظم و نثر ترتیب که هم مناسبتی و مشابهتی به لفظ و معنی به گلستان و بهارستان داشته باشد، بر طبق معنی این رباعی تازه مضمون قفل خاموشی به کلید گویایی گشادم» (نسخه خطی، الف/۵).

شروع و انجام کتاب

عرشی در دیباجة شکرستان، به حمد و ستایش خداوند و رسول و خاندانش به تقلید از گلستان سعدی میپردازد که در واقع این بخش به منزله تحمیدیه است. رویکرد مؤلف در این بخش نیز عرفانی و حکمی است و از اشارات قرآن و حدیث نیز غافل نبوده است. «در آثار عرفانی، تحمیدیه یا مناجات در آغاز متن، جایگاهی است برای برشمردن صفات جمال و جلال الهی و بیان عظمت و قدرت لایزالی و اشاره به عجز و ضعف موجودات در پیشگاه حق و طلب مغفرت گناهان و لغزش از درگاه خداوندیش (رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۱۶). مؤلف در بخش تحمیدیه موضوعات را به شکل جزئی بیان کرده و آنها را با تفصیل بیشتری ارائه میدهد. «حمد قدسی! سپاس و سپاس مقیاس سزاوار ذات مقدسی است و هر برگی از اشجار زبان توحید، بیان به وحدت او گشاده، و هر سبزه‌ای به چمنستان تمجید اقامت نموده، و چون حلقه سنبل سر به سجده شکر او نهاده، شیرین‌زبانی که شکر شکر در حقه دهان ریزد و از حلاوت بیان او طوطی ناطقه به نیشکر کلک تحریر آمیزد» (نسخه خطی، الف/۱) مؤلف تمام ذرات هستی را تسبیح‌گوی پروردگار میدانند از خیل ملائک تا سایر موجودات ارضی و سماوی هر چه هستند روی به سجود آورده‌اند.

«نفس پروری که در هرنفس قدسی، از هزار عالم نورانی و روحانی تعبیه نموده، در دیده بصیرت مشتاقان جمال صمدیت علم مشاهده برافراخته، خرمن گنبدنمای آسمان از خوشه کشت انوار صنع او دانه و از بام رفعت کبریایی عظمت طاق او، عرش اعظم آستانه ذات لطیف لطافت‌آفرین منزّه از نشو و نمای. ابتدای صفات قدسی سمات او میرا از احاطه انتها، انجمن آرایی که عروسان معانی را که همنفس شاهدان روحانی‌اند، پرنیان نزاکت پوشانده» (همان: ب/۱) مناجات با شرح مختصری از معراج ختمی مرتبت (ص) ادامه میابد:

«از عروج معراج سبحان الذی اسری بعیده لیلا من المسجد الحرام نزول در مقام «ما ذکرناک حق ذکرک و ما عرفناک حق معرفتک» کرده، «اللهم صلّ و سلم علی صاحب التّاج و البراق و العلم جسمه مطهر و متور فی الحرام و اسمه مکتوب فی اللوح بالقلم سید العرب و العجم امام القبلتین جدالحسن و الحسین صاحب قاب قوسین ابوالقاسم

محمد»(همان: ب/۲). قصد مؤلف این است که با عطر یاد رسول و درود و سلام بر ائمه اطهار سخن خود را شایسته حریم قبول حق تعالی کند:

«وا صلوات با برکات بر اولاد و احفاد او که هر یک از آب زلال سرچشمه "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً" بهره مند شده اند باد و بر اصحاب مستطاب گرمای نامی او تا یوم المیعاد(همان: الف/۳). در انجام، صفحه آخر کتاب عبارت زیر دیده میشود:

«تمت هذا الكتاب من تصانیف پناه حقایق و معارف آگاه میرمحمد مؤمن المتخلص به عرشی. ابن قدوه السالکین قطب المحققین امیر عبدالله مشکین قلم الحسینی الترمذی»(همان: ب/ ۸۰).

وصف گلستان و بهارستان

مؤلف شکرستان ارادت خود نسبت به سعدی و جامی تصریح کرده است:

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| گلستان را چنان آراست سعدی | که بر وی آفرین گفته است جامی |
| به بستانش همه گلهای رنگین | چنان بشکفت کز وی گشت معانی |
| به استادی علم گشته به عالم | نباشد مثل او در خوش کلامی |
| پس از وی جامی صاحب فصاحت | که آمد قافیه او را نظامی |
| بهارستان چنان آراست از لفظ | که شد آینه معنی تمامی |
| هزاران آفرین بر روحشان باد | که هریک نامور از نیک نامی |

«این چند بیت که چون گوهر آبدار به رشته لطافت شیفته در کتاب شاهد عرشی در توصیف و تعریف شیخ سعدی شیرین سخن و عبدالرحمن جامی مندرج ساختم به تحریر آوردم»(همان: ب/۴).

ویژگیهای نوشتاری و رسم الخطی نسخه

نکاتی که در باب قواعد نگارش واژه‌ها، ترکیبات، اتصال و انفصال اجزای واژه‌ها در این نسخه رعایت شده، تقریباً با تفاوتی اندک در دیگر نسخ نیز به کار گرفته شده است. در ذیل به برخی از این موارد که از حیث بسامد کاربردی در متن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است اشاره میشود:

- ۱- آوردن سه نقطه با قلم شنگرف جلوی مصراعها به نشانه خاتمه مصراعهای ابیات.
- ۲- گاف همچون اکثر متون خطی با یک سرکش آمده است.
- ۳- واژه‌ها و ترکیبات اشتباه با کشیدن خطی بر روی آن حذف شده و در حاشیه صفحه، واژه و ترکیب صحیح آورده شده است.
- ۴- صفحات زوج نسخه، مزین به رکابه است؛ به این معنا که او لین واژه یا ترکیب صفحه بعد در حاشیه تحتانی صفحه قبل آمده است.
- ۵- درج دیگرگون برخی از واژه‌ها: دویم(همان: ب/ ۷۳) سیوم(همان: ب/ ۶۹)
- ۶- اتصال حرف نشانه را به کلمه: «سردارانرا را آگاه ساخته»(همان: ب/ ۴۳)
- ۷- حرف اضافه «به» را به کلمه متصل کرده است: «.....بههم رسید مطبخی را فرمایش کرده بود بعزم ملاقات»(همان: الف/۴۳)

- ۸- چسبیدن «می» به فعل: «به راحت میروم افتان و خیزان» (همان: ب/۳)
 - ۹- چسبیدن «بی» به کلمه: «ای دو عالم را شفیع از بحر لطف بیکران» (همان، الف/ ۵)
 - ۱۰- «هم» به کلمه بعد از خود میچسبد: «با معنی لفظ و تازه همدوش به است» (همان: الف/ ۵)
 - ۱۱- در اکثر جاهای این کتاب زیر حرف «س» نقطه گذاشته است.
- مطالبی را که در حاشیه نسخه درج شده است به دو دسته میتوان تقسیم کرد: کلمه‌ها و ترکیبات و جمله‌های افتاده متن، توضیحات افزوده پیرامون متن.

محتوای متن

با عنایت به گستردگی مباحث و موضوعات طرح شده، سعی مقاله بر این است تا مطالب را در دسته‌بندی‌های موضوعی طبقه‌بندی و بررسی نماید تا از این رهگذر ساختار محتوایی کتاب شکرستان ترسیم شود:

باب اول: در بیان احوال اجداد و مرشدان پاک نهاد

این باب شامل ۲۰ حکایت است و همچنین جملات پندآمیز را به عنوان «نکته» یادآور میشود. این نکات تعلیمی در تمام بابها لابلای حکایتهای دیده میشود. این باب اغلب حاوی سخنان حکیمانه و یادآور کلام انبیا و اولیاست و یکی از طولانیترین بابهای شکرستان میباشد. حکایتهای متنوع بوده و آغاز و پایانی یکسان ندارند. اکثر حکایتهای این باب به امیدواری به رحمت خداوند، بیهوده خلق نشدن هیچ یک از موجودات، به یاد داشتن خدا در همه حال و عزلت نشینی اشاره میکند.

باب دوم: در سیرت پادشاهان و سریرت وزیران

این باب شامل ۱۸ حکایت است. در این باب به صفات پادشاهان که شامل کرم و جود و تحمل و بردباری هنگام خشم گرفتن بر عذرخواهان میباشد اشاره میکند. در اغلب موارد نویسنده قصد بیان محاسن و معایب اجتماعی و اخلاق بشری داشته و نهایتاً به اصلاح جامعه توجه داشته است و در هر مورد نتیجه‌ای از آن را بیان میکند.

باب سوم: در تربیت فرزندان پادشاهان عالی‌شان که خلیفهٔ اسلامند.

این باب دارای ۷ حکایت و ۲ لطیفه است. نویسنده بعد از بیان حکایتهای آموزنده در پایان به نتیجه‌گیری میپردازد. مؤلف در آغاز باب دربارهٔ تربیت شاهزادگان چنین تأکید میکند:

«ملوک را واجب و لازم است که در تربیت پسران که به سرحد پنج سالگی رسند، کوشش نمایند. اهتمام و تربیت، حواله به دانایی کنند که در علم حکمت هم دستی تمام داشته باشد. از راه نبض‌شناسی طبیعت مزاج طفل را دریافته، به غذاهای لطیف پرورش دهد» (همان: الف/ ۴۱).

باب چهارم: در پیمان عارفان حق و عاشقان شاهد مطلق

این باب دارای ۵ حکایت و چندین نکته عرفانی است. عشق و دبیعه ای الهی است که در وجود انسان نهاده شده و با ذات و فطرت وی عجین شده و انسان پیوسته به دنبال معبود و معشوق حقیقی بوده است. این باب به عشق حقیقی اشاره دارد:

«هرگونه قصه و حکایتی که در میان آید، بیان گفت و گوی عشق بر زبانها، شیرینتر از دیگر بیانهاست و احسنتر از جمیع قصه‌ها، چنانچه حق تعالی در قرآن قصه حضرت یعقوب و یوسف را احسن القصص خوانده، و در شأن حضرت آدم علیه السلام این آیه منزلست: "إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا". مراد از امانت عشق است» (همان: الف / ۴۹).

باب پنجم: در بیان آداب حکایات فخره

این باب دارای ۸ حکایت، ۳ فقره، ۳ لطیفه و ۳ نکته است. نویسنده با آمیختگی اصول و معتقدات دینی با اخلاقیات و امور اجتماعی به حکایت‌هایی در این مورد می‌پردازد. در این باب داستانها و نکته‌های پند آموز را از زندگی ائمه نقل میکند. نویسنده در این باب به ظهور حضرت صاحب الزمان اشاره میکند:

«ذات مقدس معلی که هر نفس او مسیح شده، در عالم کون ظهور نموده، علم هدایت برافراخت. جوهر علوی به واسطه اثبات علویت وجود مقدس را از مرکز خاک بر داشته بر اوج آسمانها رسانید و در خانه خورشید نزول اجلال فرمود. در وقت ظهور صاحب الزمان بیعت نموده و در هدایت خلق گشوده، در حلقه اولیای امت محمدی در آمده» (همان: ب / ۳۸).

باب ششم: در بیان لطایف و ظرایف؛ خاتمه

این باب شامل ۱۰ لطیفه، ۷ حکایت و ۵ نکته آموزنده است. نویسنده در این باب از لطایف آموزنده و متنوع استفاده کرده است که مضامین هیچکدام از آنها مانند هم نیست. در حقیقت میتوان گفت این باب نصح و دستورالعملهای زندگی و رهنمودهای پدرا نه را، که طریق تدبیر و نیک اندیشی در آنها توصیه شده است، در قالب لطیفه بیان کرده است.

«شاه کج‌اندیشه پریشان‌خیال، پراکنده‌گوی دهن‌دریده، شیدا مثال به مدح سنجی و به هجوگویی مشهور، از راه خودکامی و کوتاه اندیشی تخلص جامی اختیار نمود. فی‌الغور در جوابش گفتم: که این تخلص نامی حضرت ملا عبدالرحمن جامی که استاد سخن است. چون آفتاب عالم‌تاب نامور عالم است.

نقطه زیر را برداشته به زبر نهادم خامی تصحیف جامی شد
(همان ، الف / ۷۹)

آنچه که باید متذکر شد این است که طول حکایتها در کتاب شکرستان یکسان نیست. برخی چندین صفحه را در بر می‌گیرد و برخی بسیار کوتاه هستند.

ویژگیهای سبکی

آثار نثر عرفانی با وجود آنکه عموماً جنبه تعلیمی داشته، گاه از تصنعات و تکلفات و عبارت‌پردازیهای منشیانه نیز به دور نبوده است. گرچه در آثاری مانند کشف‌المحجوب، اسرارالتوحید، نورالعلوم خرقانی و تذکره الاولیاء، انشای روان و سبک کهن عهد سامانی مشهود است، اما آثار نثر صوفیانه، بکلی از موازین فنی و عناصر زیبایی‌شناسی عاری نیست (بهار، جلد ۲، ص ۲۵۴)، بلکه در بسیاری از آن آثار، نمونه‌های فراوانی از اختصاصات نثر فنی مانند صنعت پردازی، تکلفات لغوی، استعمال فراوان مفردات و ترکیبات عربی، بهره‌گیری از امثال و اشعار عربی، به ویژه

استناد به آیات، احادیث و سخنان مشایخ، کاربرد اصطلاحات فلسفی، کلامی، نجومی و غیره به چشم می‌خورد (غلامرضایی، ص ۶۲).

کتاب شکرستان از وجود الفاظ و ترکیبات شاذ و غریب‌الاستعمال و کلماتی که از نظر معنا و صورت در محور همنشینی با یکدیگر سنخیت نداشته باشد، عاری است. در اینجا با ذکر شواهد به بررسی مهمترین عناصر ساختاری کتاب شکرستان می‌پردازیم:

ویژگیهای زبانی

غور و تعمق عرشی در فرهنگ و زبان مردم روزگار خود و آثار ادبی گذشته اعم از فارسی و عربی و لطایف و ظرایف آن، ذهن او را گرانبار و توانا ساخته تا اینکه توانسته اندیشه‌های خود را به بهترین شکل بیان کند. آنچه از مختصات شکرستان عرشی میتوان گفت اختصار و ایجاز، کثرت واژه‌های عربی، آیات و احادیث فراوان، استفاده از افعال پیشوندی و دقت در انتخاب الفاظ است.

حذف فعل به قرینه معنوی و لفظی: «ستارهٔ سها هرکجا دانش بر کمال، انصاف هم بر کمال» (نسخه خطی: ب/ ۹). فعل به قرینه معنوی حذف شده است.

«در ایام شباب هوای دولت در سرم بود و جوش عشق در دل» (همان: ب/ ۳۸). فعل به قرینه لفظی حذف شده است.

تخفیف فعل

«بیتی که مناسبتی به مجلس ما داشته باشد به نظم در آر» (همان: ب/ ۳۸). فعل باید در آور باشد.

استفاده از فعل پیشوندی

«سحری در خدمت پدر به روضهٔ خواجهٔ راستین معین‌الحق والدین در آمدم» (همان: الف/ ۱۶)

حذف الف

«روزی چند برین گذشت» (همان: ب/ ۸)

استفاده از کلمه اندرون

«گل اندرون خانه داشت» (همان: ب/ ۳۸).

استفاده از جمع مکسر

«در اسحار گوش دل گشاده، بشنو از اشجار تسبیح» (همان: الف/ ۳)

تقدیم و تأخر ارکان جمله

«با کمال فصاحت و بلاغت مختصر کتابی تصنیف کرده، موسوم به نان و حلوا» (همان: ب/ ۵)

تتابع اضافات

«چنین مشهور است که آن فریدِ وادی تجرید در وادیٔ تفرید روان بود» (همان: الف/ ۷).

صفت مرکب عربی

«بقین که به بیعت قطب الواصلین حضرت خواجه قطب الدین بختیار اوشی پیوست» (همان: ب/ ۷)

ی استمراری

«شیخ ذوی الاحترام حقایق انتظام شاه نظام، نار نولی قدس سره، چون سرگرم وجد و حالی شدی، بر هر که نگاهش افتادی مست گشتی» (همان: الف/ ۱۱)

به کاربردن صفت مفعولی

«یکی از مقربان حقهٔ پر از جواهر در دست گرفته، در میان ایستاده، پشت به جانب من کرده و حقه به دست سلطان داده» (همان: ب/۴۷)

برخی از نکات برجسته و عرفانی متن

تردیدی نیست که هرصنف از عالمان را الفاظی خاص است. از آن جمله در میان صوفیان و عارفان نیز الفاظ و اصطلاحاتی متداول است که مقاصد خود را با آن اصطلاحات بیان میکنند. عرشی نیز از ادیبان موزون طبع و مقلدی است که با تأثیر از آثار سعدی و جامی با زبان عرفا انس گرفته است و تصاویر و نمادهای متداول در ادبیات عرفانی، ملکه ذهنی ایشان شده است. «در مرآت سواد لفظ، چون نور مردمک چشم متجلی نموده، شوق افزایی که دل مشتاقان جمال کمال را که نقطهٔ سویدای وحدت خال رخسار گل نمای اوست در تموج انوار، به هم آغوشی حوران معطر جیب عطر پرور رحمانی به وی چشم بصیرت و تماشا گشوده، دایرهٔ آسمان را با این همه رفعت چشم موری سازد و حلقهٔ چشم موری را با این تنگی، وسعت دایر دورهٔ آسمان» (همان: الف/۲).

ترکیب سازی

«عندلیب نوایان گل پرست حسن را زبان شوق در گلشن عشق به ترنم گشاده» (همان: ب/۲)

ویژگیهای ادبی

با وجود آنکه این کتاب از آثار نثر تعلیمی به شمار میآید، مؤلف حکایتها را با صنایع بدیعی و عناصر زیبایی شناسی در هم آمیخته است. بسامد زیاد واژه‌ها و عناصر زبانی یکی از عادت‌های زبانی مؤلف و از مختصات برجستهٔ سبکی او به شمار میرود، چنانکه قرارگرفتن این جفتها در محور همنشینی موجب پدیدآمدن انواع هماهنگی آوایی و لفظی از قبیل سجع، موازنه، جناس و حتی تضاد و ترادف میگردد که این ویژگی در سراسر اثر مشهود است.

۳-۲-۱- سجع

هرجا بنای سخن بر دریافت ذوقی مؤلف و تأویل و توضیح قولی است، عبارات موزون و مسجع میآید. درواقع به کاربردن نثر مسجع شیوهٔ اهل مجلس بوده و در نثر صوفیه شیوع خاصی یافته است: «خداوندا! از ما چه آید که تو را شاید و از تو همه آن آید که ما را باید. شرمنده احسان توئیم. بندهٔ فرمان توئیم به گویایی تو گویاییم. به شنوایی تو شنوائیم و به بینایی تو بینائیم. اگر بر خود بینیم خود بینی پیش خدایینان عیب است و اگر بر تو بینیم چه بینیم که بینایی نقاب عارض شاهد غیب است» (نسخه خطی، الف/۳).

سجع متوازن

«شوق افزایی که دل مشتاقان جمال کمال را که نقطهٔ سویدای وحدت خال رخسار گل نمای اوست» (همان: الف/۲)

سجع مطرف

«به گویایی تو گویاییم. به شنوایی تو شنوائیم» (همان: الف/۵)

سجع متوازن

«عجز پیرایهٔ قامت عذر خواهانست، عفو سرمایهٔ کرم پادشاهانست» (همان: ب/۶). عجز و عفو سجع متوازن هستند.

تشبیه

«تو هم شاهین نگاه را، از قفسِ نوم که "النوم اخو الموت" که گفته اند به بال و پر مژگان پرواز ده بیدار شو(همان: الف/۴)

کنایه

«دانایی پرسیدند: که چرا مهر خاموشی، بر دُرُج لب نهاده»(همان: الف/۱۶) مهر خاموشی کنایه از سکوت است.

استعاره

«نقل شیرین را به تحریر آوردم» (همان: الف/۶) منظور کتاب شکرستان است.

جناس افزایشی

«و نظم در قدم و هوش در دم که طریق ارباب قلوب است به راهی میگذشت»(همان: ب/۱۰)

جناس اشتقاق

«مالک ملکی در ممالک از صاحب ملک پروانه تملیک به سعی تمام به دست آورده»(همان: ب/۱۴)

تضاد

«تلخ کامی را به شیرینی شکر در دهان آمد»(نسخه خطی: الف/۸)

تکرار

«خلق الله قدح قدح پر کرده، آشامیدند و آن حوض شکر نام یافت»(همان: الف/۹)

تناسب

«برگ برگ گل فتد از شاخ و برخیزد ز شاخ سیر گلشن کن که بینی در بهار و درخزان»
بهار و خزان(همان: الف/۲)

ایهام

«در گلستان مهر و وفا از فیض نسیم بهارستان»(نسخه خطی: الف/۱) مهر و وفا منظومه ای عرفانی از عرش است و به معنی محبت و وفاداری میباشد.

جناس اختلافی

«شیخ صاحب تصرف نظر گرم که از کرم است بر روی حسن انداخت»(نسخه خطی: ب/۱۰)
(همان: الف/۲۲)

رباعی

| | |
|------------------------------|---------------------------------|
| «آنانکه حضور قرب دریافته اند | روی دل خویش ز جهان تافته‌اند |
| بر هر که نظر کنند مقبول شود | مردان همه قرب از نظر یافته‌اند» |
| (همان: الف/۳۱) | |

قطعه

| | |
|----------------------------|-------------------------|
| «سخن اگر بگویی به وقت سخن | به رشته در صاف سفته شود |
| اگر غنچه چینی تو از شاخ گل | به وقت شکفتن شکفته شود |
| (همان: ب/۳۴) | |

مثنوی

«سعدی شیراز آمد در سخن
در گلستان گونه گونه گل نمود
بشکفاند از باغ معنی صد چمن
هم گل و هم طره سنبل نمود»
(همان: ب/۴)

استفاده از ردیفهای طولانی

«بوستان را چون چمن آراست او
باغ معنی از سخن آراست او»
(همان، الف/۵)

ملّع:

«آن است که فارسی و عربی را در نظم به هم آمیخته باشند، چنان که مثلاً یک مصراع فارسی و یک مصراع عربی، یا یک بیت یا چند بیت فارسی و یک بیت عربی گویند. ساختن این نوع شعر را به نام صنعت تلمیع در جزو صنایع بدیع نیز شمرده اند» (همایی، ص ۱۴۶).

«رحمه للعالمین تاج سرش خلعت لولاک زیبا در برش
صاحب الحجت امام الاتقیا الذی میراثه وجهه الذکا»
(همان: ب/۲)

صنعت طرد و عکس

من به گرد دوست گردم دم به دم چون آسمان
آسمان بر گرد من گردد چو من بر گرد دوست
(همان: الف/۱۲)

ویژگیهای فکری

از توضیحات و تأملات شکرستان میتوان به مشی فکری، و گرایشهای عرفانی مؤلف آن پی برد.

استفاده از تمثیل

آنچه از دیدگاه عرفانی در این مواضع اهمیت فراوان دارد توجه مؤلف به مضامین متنوع تصوف و شیوه بیان تمثیلی اوست.

مرد دانا را سخن با مرد جاهل رنج دان
موشکی با شیر گر روزی مقابل میشود
کی پسند اهل صحبت رنج آید در جهان
شیر از او نفرت گرفته چشم پوشد بی گمان
(نسخه خطی: ب/۳۷)

«ای غافل روزگار غافل تا کی
چون طفلک شوخ چشم بازی تا چند»
(همان: ب/۶۶)

«تخم نیکی ز نیک بهره دهد
از بدی هم بدی به کار آید»
(همان: الف/۴۱)

استفاده از لطایف

در عنوان باب ششم اثر، اصطلاح لطایف مشهود است و در اصطلاح صوفیان «لطیفه» در لغت به معنای «ظریف، حساس و باریک» اشاره دارد به مؤلفه‌های غیرمادی شخص که میتوان با تمرینهای معنوی و سلوک بر آن تأثیر نهاد یا آن را به کار انداخت. اصطلاح «لطیفه» احتمالاً از مفهوم «جسم لطیف» نشأت گرفته و به مرور زمان معنای

پیچیده‌تری پیدا کرده است و نهایتاً برای ترقی روحانی و معنوی سالک طالب در سیر به سوی فنا یا بقا در ذات الهی به کار رفته است (هرمانس، جلد ۱، ص ۵۵۴).

دل‌باختگی به ائمه

از بخشهای دلکش این کتاب ماجراهایی است که درباره کرامات امامان بیان شده است. از جمله این داستانها حکایت فروتنی حضرت علی (ع) میباشد که نشان ارادت شاعر به مولای متقیان و ائمه است:

«حضرت امیر المؤمنین مرتضی علی علیه السلام هنگامی که بر سریر خلافت جلوس فرمود، به مرتبه مسکنت داشت که در بازار کوفه پیاده راه رفتی و نظر بر قدم داشتی و با مسلمانان به تواضع پیش آمدی. اصحاب به عرض رسانیدند یا امیرالمؤمنین! این همه فروتنی مناسبتی با عمارت ندارد. جواب با صواب فرمود: که دعای رسول خدا این بود «اللَّهُمَّ أَخِينِي مَسْكِينًا وَأَمْتِي مَسْكِينًا وَأَخْرُؤِي فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ» (نسخه خطی: الف/ ۱۷).

خاموشی

در متون عرفانی خاموشی یکی از مهمترین آداب و اعمال سالکان است. عرشی نیز با مطرح کردن حکایت تمثیلی به ضرورت خاموشی اشاره کرده است:

«دانایی پرسیدند: که چرا مُهر خاموشی، بر دُرُج لب نهاده و حقه دهن را که پر از جواهر معنی است نمیگشایی؟ گفت: خاموش که نادانان گویا شده‌اند و دانایان خاموش. گر اتفاق صحبت با دانایی افتد، گویایی به از خاموشی و اگر با نادان کار افتد خاموشی به از گویایی» (نسخه خطی، ب/ ۱۶).

بی‌توجهی به دنیا

«خلقت آدمی بر نوع حیوان شده و انسان نام یافته. اگر به مرتبه سفلی رو نهاد، جایگاهش اسفل السافلین است. و اگر جوهر طبع را بر افروخته، پر و بال همت گشاید، سیرگاهش اعلی‌العلیین است. اثر بادی که از آدمی ظاهر میگردد و از آثار حیوانی است و موجب خفت آدمی. باید که نفس را به مقام ملکیت رساند. ملکیت از کم خوردن حاصل آید. حکما گفته‌اند: کم خواه، کم خوار باشد» (نسخه خطی، ب/ ۷۸) و سپس مؤلف حکایت زیبایی را در مذمت دنیا بیان میدارد:

«شاه غیاث الدین محمد سلام الله علیه بر سجاده اکابر استقامت عظیم و دل رحیم و طبع کریم داشت. از صحبت اهل دنیا محترز. اگر به خدمت او اهل دولت میرسیدند نصیحت پیش آمده، میفرمود: دل آگاه باشید و گرد غفلت را از دامن هستی بیفشانید و خدا را همه جا حاضر دانید و کارهای دین را بر دنیا مقدم شمارید» (نسخه خطی: الف/ ۱۷).

معرفی مشایخ بزرگ صوفیه

عرشی حکایت‌هایی از بزرگان صوفیه نقل میکند و نام آنها را میبرد که میتواند اطلاعات دست اولی در اختیار پژوهشگران قرار دهد؛ مانند: شیخ نظام الدین اولیا، جنید بغدادی، شاه نعمت الله ولی، شاه غیاث الدین، قاسم انوار

و....

عشق به خداوند

عرشی براین عقیده است که عشق الهی سبب شد تا آدمی مورد کرم خداوند قرار گیرد و خصوصیت عشق که از دیگر مخلوقات پنهان و مستور شده بود بر وجود آدمی آشکار گردد.

«انسان مظهر عشق است. "انا عرضنا الامانت علی السموات و الارض" در شأن اوست. محبت تصحیف محنت است. کسی که تلخی فراق دید، شربت وصال چشید. از محبوب آزمایش بر محب میاید اگر در محنت ثابت آمد، در وصال محبوب گشاید» (نسخه خطی: الف / ۴۷).

نتیجه گیری

میرمحمد مؤمن متخلص به عرشی عارف سده یازدهم هجری فرزند میر عبدالله مشکین قلم متخلص به وصفی است که آثار زیادی از وی به یادگار مانده است. با توجه به مقایسه ساختاری و محتوایی شکرستان با سایر کتب که به پیروی از گلستان و بهارستان جامی نوشته شده است، کتاب شکرستان را میتوان از جمله آثار موفق عرفانی تلقی کرد که نویسنده توانسته است با درک روح زبان سعدی و جامی و رمز و راز آنها، نثری زیبا و در عین حال استوار بیافریند. وی راز ماندگاری انشای گلستان و بهارستان را برخوردار از ارزشهای گوناگون ادبی از قبیل: سادگی بیان، پرمایگی، خوش آهنگی، لطف سخن، بهره‌مندی از زبان زنده، پرتحرک و طبیعت‌آمیز میدانست.

علیرغم تلاش مؤلف در آوردن مطالب بدیع و استنباطهای شخصی، در بسیاری از موارد از بزرگانی مانند شیخ نظام الدین اولیا، شاه نعمت الله ولی، قاسم انوار و ... نقل به مضمون میکند. همین امر حاکی از تأثیرپذیری مؤلف از باورهای بزرگان و پیشوایان تصوف بوده است. کاربرد اصطلاحات عرفانی خاص از قبیل توحید، مشاهدت، طریقت، مست توحید و محو مطلق و وحدت وجود، در جای جای این اثر دیده میشود. تنوع در نوع نگارش و نثر کتاب نیز چشمگیر و درخور توجه است به این معنا که نسخه در بخش آغازین (به ویژه مقدمه و دیباچه) به نثر مسجع است اما متن اصلی کتاب در بسیاری از جاها به روانی و سادگی سوق یافته است. پیروی درخور توجه نثر کتاب از قواعد زبان عربی متابع اضافات، جمع مکسر عربی و حذف به قرینه اجزای جمله در اکثر موارد به چشم میاید.

مشارکت نویسندگان

این مقاله با مشارکت سرکار خانم دکتر زهرا محمودآبادی و سرکار خانم دکتر آسیه ذبیح‌نیا عمران که بعنوان پژوهشگران در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند نوشته شده است.

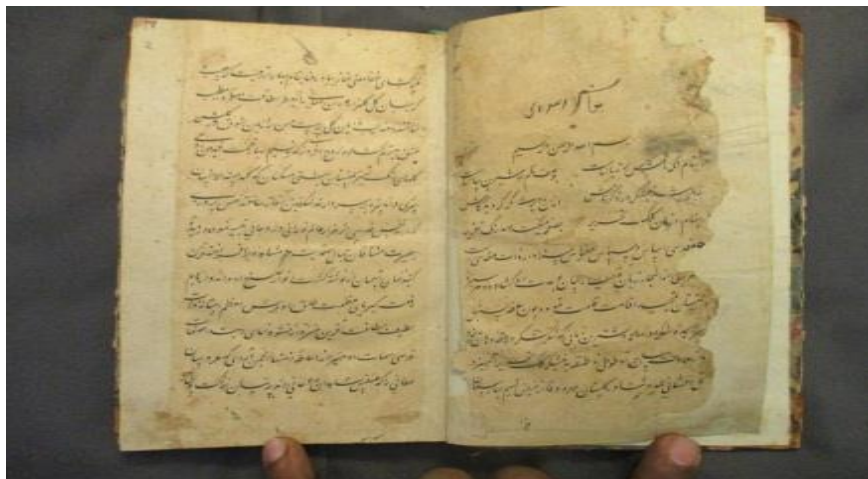
تقدیر و تشکر

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب قدردانی خود را از آقای دکتر محمود عالم استاد دانشگاه حیدرآباد هند که دسترسی نویسندگان به نسخه خطی شکرستان را فراهم آورد، اعلام نمایند.

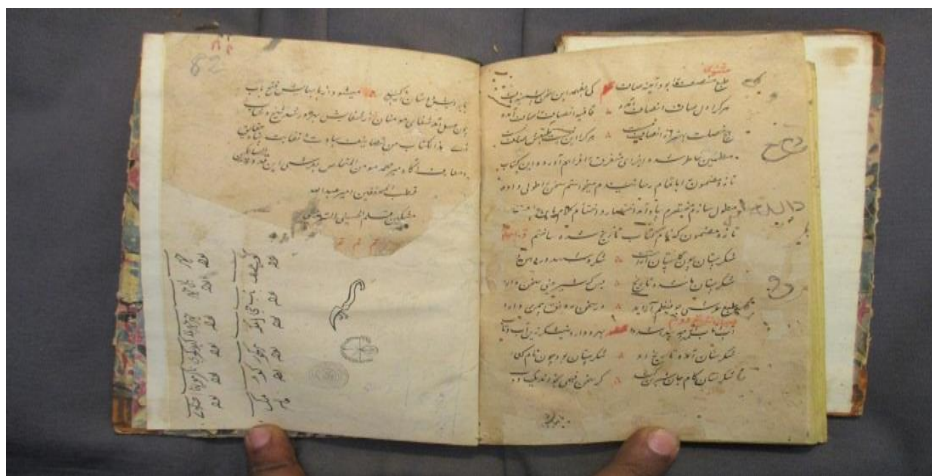
تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت کامل دارند. این تحقیق طبق کلیه قانونها و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض

احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.



عکس شماره ۱: صفحه آغازین شکرستان



عکس شماره ۲: صفحه پایانی شکرستان عرشی

REFERENCES

- Arshi, Mohammad Momin Akbarabadi. *Shekarestan Manuscript*. India Office. Library of the Diwan of India. Catalog Number 823.
- Bahar, Mohammad Taghi. (2013). *Stylistics or Evolution of Persian Prose*. Tehran: Amir Kabir.

- Daneshpajuh, Mohammad Taghi. (1971). *A few Points about the Works of Saadi and Hafez*. Essays about Saadi's Life and Poetry by the efforts of Mansour Rastgar. Shiraz: University Press.
- Ghasemian, Fatemeh, Yousefipour, Pooran and Zabihnia Emran, Asieh. (2019). "Studying the Types of Love in Shekarestan by Momin Arshi based on the School of Robert Sternberg". *Persian Literature Journal*, 16(21), pp. 26-36.
- Gholamrezaei, Mohammad. (2018). *Stylistics of Sufi Prose*. Tehran: Shahid Beheshti University Publications.
- Hermans, Marshak. (2009). *A Commentary on Religious History in the Sufism of the Late Mughal Age Mordshah Valiullah Dehlavi, Sufism Legacy*. Translated by Majaduddin Keivani. Tehran: Markaz Publications.
- Homaei, Jalaaladdin. (1994). *Rhetoric Techniques and Literary terms*. Tehran: Homa Publications.
- Keikha, Batul. (2013). "Lists of Persian Manuscripts in India". *Subcontinental Studies*, 6(20), pp. 173-198.
- Noshahi, Aref. (2019). *Black on White*. Tehran: Written Heritage Research Center.
- Rastgar Fasayi, Mansour. (1994). *Types of Persian Poetry*, Shiraz: Navid.
- Safa, Zabihullah. (1992). *History of Iranian Literature*. Volume 5. Tehran: Ferdows Publications.
- Yalmeha, Ahmad Reza. (2013). (2). "Two poets with the same surname: Arshi Yazdi and Arshi Akbarabadi". *Isfahan University Quarterly*, 6(1) (consecutive), pp. 71-80.
- Yalmeha, Ahmad Reza. (2013). (1). "Looking at some of the Stylistic Features of Shahid Arashi, a Newly Found Work Imitating Maulavi's Masnavi", *The Monthly Journal of Persian Poetry and Prose Stylology (Bahar Adeb)*, 5(4), pp. 222-232.

فهرست منابع فارسی

- بهار، محمد تقی، سبک شناسی یا تطور نثر فارسی، امیر کبیر، تهران ۱۳۷۳.
- دانش پژوه، محمد تقی، «چند نکته درباره آثار سعدی و حافظ»، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی به کوشش منصور رستگار، انتشارات دانشگاه، شیراز ۱۳۵۰.
- رستگار فسایی، منصور، *انواع شعر فارسی*، نوید، شیراز ۱۳۷۳.
- صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات ایران*، جلد پنجم، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۱.
- عرشی، محمد مؤمن اکبر آبادی، *نسخه خطی شکرستان*، آیندیا آفیس، کتابخانه دیوان هند به شماره فهرست ۸۲۳.
- غلامرضایی، محمد، سبک شناسی نثرهای صوفیانه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۸۸.
- قاسمیان، فاطمه، یوسفی پور، پوران و ذبیح نیا عمران، آسیه (۱۳۹۹) بررسی انواع عشق در شکرستان مومن عرشی براساس مکتب رابرت استرنبرگ، *مجله ادبیات فارسی*. دوره ۱۶. شماره ۲۱. بهار صص ۲۶-۳۶.
- کیخا، بتول، «فهرست نامه‌های نسخ خطی فارسی در هند» *مطالعات شبه قاره*، سال ششم، ش ۲۰، پاییز ۱۳۹۳ صص ۱۷۳-۱۹۸.

هرمانس، مارشاک، نظری به تاریخ دینی در تصوف / اواخر عصر مغول موردشاه ولی‌الله دهلوی، میراث تصوف، ترجمه مجدالدین کیوانی، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۹.

همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعت ادبی، نشر هما، تهران ۱۳۷۳.

نوشاهی، عارف، سیه بر سفید، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران ۱۳۹۰.

یلمه‌ها، احمد رضا، (۲) «دوشاعر بایک تخلص: عرشی یزدی و عرشی اکبر آبادی»، فصلنامه دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره (پیاپی)، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۸۰-۷۱.

یلمه‌ها، احمد رضا، (۱) «نگاهی به برخی از ویژگی‌های سبکی شاهد عرشی اثری تازه یافته به تقلید از مثنوی مولوی»، فصلنامه تخصص سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۳۲-۲۲۲.

معرفی نویسندگان

زهره محمودآبادی: استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: mahmoudabadizahra@pnu.ac.ir; نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-5191-6591)

آسیه ذبیح‌نیا عمران: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: zabihnia@pnu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-1886-382x)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Zahra Mahmoudabadi: Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Email: mahmoudabadizahra@pnu.ac.ir; Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-5191-6591)

Asiah Zabihnia Emran: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Email: zabihnia@pnu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-1886-382x)